

## گزارشی از مراسم پنجه در سنت زرتشتیان شریف آباد



دکتر فرزانه گشتاسب

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

«پنجه» در سنت زرتشتی، نام مراسمی است که در روزهای پایانی سال برگزار می‌شود. این مراسم ۱۰ روزه است و زرتشتیان، پنج روز نخست را «پنجه که (کوچک‌تر)» و پنج روز دوم را «پنجه مه (بزرگ‌تر)» می‌نامند. نام دیگر این مراسم «گاهنبار همس‌پت‌مدم» «اوستایی (hamaspaθmaēdaya) : است که در یکی از یشت‌های کهن اوستا (فروردین‌یشت، بندهای ۴۹ و ۵۰) به مراسم آن اشاره شده است (نک: مولایی، ۱۳۸۲، ص ۹۸). همچنین این رسم را در متون تاریخی و همچنین فارسی زرتشتی فروردگان، فروردیگان، فروردیان یا فرواردیان نیز نامیده‌اند. پنجه یا گاهنبار همس‌پت‌مدم یکی از گاهنبارهای شش‌گانه است که از رسوم دینی مهم در سنت کهن زرتشتی به‌شمار می‌آید. براساس اسطوره آفرینش زرتشتی، در گاهنبار همس‌پت‌مدم در پنج روز پایانی سال انسان آفریده شده است. این پنج روز به نام فصل‌های گاهان نام‌گذاری شده است: آهنودگاه، اُشتودگاه، سپنتمدگاه، و هوششترگاه، وهیشتواپشت‌گاه (۲۹-۲۵ اسفند در تقویم رسمی کنونی).

آیین‌های رسم فروردیگان به پنج گاهنبار دیگر شباهت دارد؛ یکی از رسوم متفاوت این گاهنبار، مراسم آخرین شب پنجه است که برای بدرقه فروشی درگذشتگان، زرتشتیان بر پشت بام رفته، نیایش می‌خوانند و آتش می‌افروزند. این رسم کهن اکنون براساس تقویم قدیم زرتشتی (تقویم بدون کبیسه) در برخی روستاهای یزد همچنان برگزار می‌شود. در اینجا گزارشی از برگزاری مراسم پنجه به‌صورتی که در حدود سی سال پیش و قبل از آن برگزار می‌شد، آورده شده است؛ نگارنده این اطلاعات را از گفته‌های شفاهی خانم فرنگیس ترکی‌شریف‌آبادی (۷۳ ساله) که تا ۱۴ سالگی در این روستا زندگی می‌کرد و بعد از آن به تهران آمده است، روان‌شاد موبدیار سروش سلامتی که تا سال ۱۳۹۰ در شریف‌آباد زندگی می‌کرد، گزارش‌های خانم بویس (Boyce 1977, p. 212-226) و نوشته آقای شاهمردانی شریف‌آباد (۱۳۸۷، صص ۳۰-۳۴) فراهم آورده است.

### مراسم پنجه در روستای شریف‌آباد یزد

نخستین روز پنجه کوچک (۲۰ اسفند در تقویم رسمی کنونی) «اُشتاد» نام دارد. یکی از اولین کارهایی که در آغاز پنجه کوچک انجام می‌شد، این بود که در روز اُشتاد پسران برای جمع‌آوری خاکِ رُسِ پاکیزه به اطراف روستا



می‌رفتند. آنان در همان روز خاک را با آب پاک ورز می‌دادند و روز بعد، یعنی روز آسمان مجسمه‌هایی به شکل‌های مختلف مانند شتر، اسب، نردبان و... می‌ساختند. دختران هم خورجین‌ها و کیف‌های کوچکی می‌دوختند تا بر پشت شترهای گلین بگذارند. دو جعبه کوچک چوبی را هم در آب روان می‌شستند، با خاک پاک پر می‌کردند و در آن هفت نوع دانه می‌کاشتند و هر روز آن را آب می‌دادند. برای آنکه دانه‌ها تا اول فروردین سبز شوند، باید حداکثر تا سومین روز پنجه کوچک کاشته می‌شدند. در بعضی از خانه‌های قدیمی در گوشه‌های حیاط و نیز در چهار گوشه بام جعبه‌هایی گلی مانند گلدان وجود داشت که برای کاشتن دانه استفاده می‌شد.

همه زرتشتیان شریف‌آباد، حتی آنان که گاهنبار پنجه نداشتند، در روزهای پنجه بزرگ، پنج روز سفره می‌کشیدند و ترجیح می‌دادند که به جای پسگم‌مس، اتاقی مخصوص را به این امر اختصاص دهند. این اتاق را که معمولاً در پسگم‌مس قرار داشت و «اتاق پاک» «دری زرتشتی (genze-y paki): نامیده می‌شد برای مراسم پنجه، از نو کاهگل و دیوارهایش را سفید می‌کردند.

خانه‌تکانی، رفت‌وروب و گردگیری اتاق‌ها، حیاط و حتی پشت‌بام خانه در پنج روز پنجه کوچک باید انجام می‌شد. بقیه مقدمات برگزاری گاهنبار ششم نیز مانند کاهگل کردن اتاق پاک، باید تا قبل از آخرین روز پنجه کوچک یعنی روز انارام به پایان می‌رسید.

«کوزه‌تره‌تیزک» نیز که باید برای هفدرو سبز شده باشد، در روزهای آغازین پنجه بزرگ آماده می‌شد. به این ترتیب که کوزه‌ای گلین را از آب پر می‌کردند و روی آن را با پارچه‌ای پنبه‌ای می‌پوشاندند و با نخ دورتادور آن را می‌بستند و بعد دانه‌های تره‌تیزک را که قبلاً در آب خیسانده و لعاب‌دار شده بود، روی سطح مرطوب پارچه می‌مالیدند. دانه‌های تره‌تیزک به تدریج از رطوبت درون کوزه سیراب می‌شد و رشد می‌کرد.

با شروع پنجه بزرگ، مراسم دینی در همه خانه‌ها شروع می‌شد. بانوی خانه، روی سقف و دیوارهای اتاق پاک و پسگم‌مس، گل سفید می‌پاشید؛ سپس در اتاق پاک و روی زمینی که به تازگی با کاهگل نو پوشانده شده بود، پارچه‌ای سفید پهن می‌کرد و روی آن آینه‌ای می‌گذاشت و سپس چراغی که در تمام شبانه‌روز باید روشن نگاه‌داشته می‌شد. مجسمه‌هایی که پسران درست کرده بودند و با گل سفید، رنگ شده بود، روی سفره قرار می‌گرفت. منقل یا آتشدانی کوچک که صبح و بعدازظهر با آتش آشپزخانه پر می‌شد و روی آن بوی خوش می‌ریختند، ظرفی شیر، پیاله روزین آب پاک و ظرف شراب، چیزهای دیگری بود که سر سفره قرار داده می‌شد.

در این پنج روز، همه زرتشتیان روزی دو بار، صبح و بعدازظهر، «بوی و برنگ» می‌کردند. برای تهیه سیرگ حتماً از روغن کنجد که به وسیله یکی از زرتشتیان و برای پخت‌وپزهای گاهنبار تهیه شده بود، استفاده می‌شد. شیر را نیز از خانه زرتشتیانی که گاو یا بز شیرده داشتند، تهیه می‌کردند و شراب و سرکه نیز باید در خانه و در شرایط پاک

فراهم می‌آمد و در واقع اصرار بر این بود که همهٔ مواد لازم برای سفره و خوراکی‌هایی که در این مدت آماده می‌شد، اصطلاحاً «پاک باشد» «دری زرتشتی» (paki but): بوی و برنگ نیز که شامل سیروسداب، تخم‌مرغ و سیرگ بود، معمولاً به‌وسیلهٔ کسی آماده می‌شد که نشوه رفته باشد و از نظر آیینی پاک باشد. همهٔ این تلاش‌ها برای این بود که به‌دینان در این روزها محیطی بسیار ویژه را برای پذیرایی از میهمانان ویژهٔ خود، فروشی‌های پاک درگذشتگان، فراهم کنند. حتی خانه‌های خالی هم از یاد نمی‌رفت و همسایگان و دوستان، آن خانه‌ها را نیز آب و جارو می‌کردند، در آنها سفرهٔ پنجه می‌گسترند و در این پنج روز برای خشنودی روان درگذشتگان آن خانه‌ها نیز اوستا می‌خواندند، بوی خوش روی آتش می‌گذاشتند و بوی‌وبرنگ می‌کردند و چراغی را در تمام این روزها در این خانه‌ها روشن نگاه می‌داشتند.

تهیهٔ غذاها و شیرینی‌های مخصوص پنجه، یکی دیگر از آداب این روزها بود. این خوراکی‌ها ممکن بود در هریک از این پنج روز، به‌خصوص روزهای آخر، تهیه شود. هنگامی که هریک از آنها را آماده می‌کردند، بلافاصله به سر سفره در اتاق پاک می‌بردند. حلوا، سن، حلوا، کنجد، حلوا، شکر، نان آگنجه، نان پینه یا پی‌پیوز و گماج، نمونه‌هایی از خوراک‌های ویژهٔ گاهنبار پنجه است. اگر کسی فرزند کوچکی را از دست داده بود، نانی شیرین به نام نان شیرمال هم می‌پخت که برای تهیهٔ آن، آرد را به‌جای آب با شیر مخلوط و به شکل‌های مختلفی مانند آدمک، ستاره و نردبان درست می‌کرد و سر سفره می‌گذاشت. این پخت‌وپزها از ساعات آغازین بامداد شروع می‌شد و تا حدود ۱۰ صبح ادامه داشت. پس از آن، همهٔ خانواده ساعاتی را استراحت می‌کردند و اگر ظهر در میهمانی گاهنبار دعوت داشتند، در میهمانی شرکت می‌کردند.

مردان روستا از اوایل صبح، برای شرکت در گاهنبارها، خانه را ترک می‌کردند. موبد نیز صبح زود «درون گاهنبار» را در آتشکده به جای می‌آورد و از ساعت هشت صبح برای خواندن آفرینگان گاهنبار، به خانهٔ به‌دینان می‌رفت. بعضی روزها ممکن بود بیش از پانزده مراسم گاهنبار به‌جای آورد که در این صورت تا حدود پنج بعدازظهر طول می‌کشید؛ او باید مراسم هرروز را پیش از غروب آفتاب به پایان می‌رساند.

در آخرین روز پنجه دختران روستا با گل‌رُس، مخروطی گلی به نام «کپی» می‌ساختند و دسته‌ای ریحان در گل نرم آن فرو می‌کردند و در گوشه‌ای می‌گذاشتند تا خشک شود. سپس دستمال یا روسری سبز رنگی را دور کپی می‌بستند و آن را کنار مجسمه‌های گلی سفیدشده، روی پشت‌بام می‌گذاشتند. یک دسته خار و هیزم، ظرف هفت دانهٔ سبز شده (سِشَه) و چراغ بادی روشن، از دیگر چیزهایی بود که بعدازظهر آخرین روز گاهنبار به پشت‌بام برده می‌شد تا مقدمات «شب‌وه» آماده باشد.

اهالی خانه حدود ساعت سه بامداد از خواب بیدار می‌شدند. مردان روی پشت‌بام آتش را روشن و خواندن نیایش برای فروشی درگذشتگان را آغاز می‌کردند. آنان اول کشتی نو می‌کردند و سپس اوستای اُشهین‌گاه و آفرینگان دهمان را می‌خواندند. خانم‌ها نیز در آشپزخانه بوی‌وبرنگ تازه آماده می‌کردند و آنها را همراه با خوراک‌هایی که از قبل در اتاق پاک بود، به پشت‌بام می‌آوردند.

برآمدن نخستین پرتوهای خورشید صبحگاهی، خبر از پایان یافتن روزهای فروردیگان و بازگشت فروشی‌های پاک به مأمن اصلی‌شان می‌داد. آتش کم‌کم خاموش می‌شد و اهالی روستا با زمزمه اوستا، چشم به طلوع آفتاب می‌دوختند و با میهمانان مینوی خویش که با نخستین پرتوهای نور راهی جهان دیگر می‌شوند، وداع می‌کردند. با آغاز گاه‌هاون، مردان دوباره کشتی نو می‌کردند و سپس اوستای هاون‌گاه را می‌خواندند. دختران، ظرف آب و آویشن را بر روی سقف خانه خود و خانه‌های خالی همسایگان می‌پاشیدند و شاخه‌های مورت و سرو را روی لبه بام، رو به کوچه قرار می‌دادند.

آخرین اخگرهای آتش پنجه، مانند همه آتش‌های دیگری که در مراسم آیینی با خواندن اوستا تقدیس می‌شود، باید به آتش بهرام بپیوندند. به همین دلیل پسران خانواده چند قطعه از هیزم روشن را در «کووه»‌هایی که قبلاً درست کرده و آن را رنگ سفید زده‌اند، می‌گذاشتند و آن را به آتشکده می‌بردند. این کار پس از خوردن صبحانه‌ای مفصل که شامل خوراک‌های پنجه، هریسه و گاهی هم آش ججه بود، انجام می‌شد.

سپس پسران گروه‌گروه در زمین‌های خالی روستا جمع می‌شدند و «کووه جنگی» می‌کردند، یعنی آن‌قدر کووه‌های خود را به یکدیگر می‌زدند تا بشکنند. آن کسی که کووه‌ی او تا پایان بازی سالم باقی می‌ماند، برنده این مبارزه بود. دختران هم پس از بازکردن دستمال سبز دور کُپی‌ها، «کُپی جنگی» می‌کردند؛ هرکس که در این مبارزه پیروز می‌شد، کُپی خود را تا روز هفدُرو روی پشت‌بام می‌گذاشت.

صبح روز بعد از آخرین روز پنجه، اولین روز ماه فروردین در تقویم قدیمی است. در شریف‌آباد این روز را «دادگاه‌پنجه» می‌نامند. صبح این روز که سی سال پیش اوایل ماه امرداد و یکی از روزهای گرم تابستان بود، زرتشتیان شریف‌آباد، حسن‌آباد و مازا (مزرعه‌کلانتر) وسایل لازم برای برگزاری گاهنبارتوجی و دیگر آیین‌ها را آماده و پیاده یا با دوچرخه یا چهارپا به‌سوی دخمه حرکت می‌کردند. کسانی که فرزندی را از دست داده بودند، ظرف‌های شسته را با خود می‌آوردند و روی «سنگک»، جلوی در دخمه می‌گذاشتند. در این مراسم گاهنبار و آفرینگان خوانی برای فروشی درگذشتگان، همراه با بوی‌وبرنگ و آیین‌های دیگر برگزار می‌شد و بعدازظهر همه به روستا بازمی‌گشتند. به این ترتیب پس از ۱۰ روز فعالیت و جنب‌وجوش دوباره زندگی به حالت طبیعی خود در روستا بازمی‌گشت و کارهای روزمره در مزرعه و خانه از سر گرفته می‌شد و به‌دینان تا روز خرداد یعنی ششم فروردین که به نام «هفدُرو»

نامیده می‌شد، از دانه‌های سبزشده به‌دقت مراقبت می‌کردند، چون باید تا آن روز سبز و شاداب باقی می‌ماند؛ حتی بعضی زرتشتیان روز اول فروردین دوباره دانه سبز می‌کردند تا برای هَفْذُرُو آماده باشد. موبد در اولین روزهای فروردین به خانه زرتشتیانی می‌رفت که در روزهای پنجه فرصت برگزاری مراسم را به‌دست نیاورده بودند و در خانه آنان گاهنبار برگزار می‌کرد؛ این کار ممکن بود تا روز دهم فروردین طول بکشد. هم‌اکنون در شریف‌آباد مراسم شبِ وَه همچنان براساس تقویم قدیم برگزار می‌شود؛ با این تفاوت که امروز، مجسمه‌ها و کووه‌های گلین سفیدرنگ و کیپی‌های پر از شاخه ریحان روی کمتر بامی به چشم می‌خورد. تنها بر بلندای یک یا دو خانه کاه‌گلی شریف‌آباد، چند کووه و شتر گلی، تنها و نگران، به دستان بانوی سالخورده روستا چشم دوخته‌اند که آیا سال دیگر دستی خواهد بود تا آتشی در کووه‌های گلین روشن کند! از نان آگنجه و نان پی‌پیاز هم معمولاً خبری نیست، اما تمام پنج روز را سفره می‌کشند و روزی یک‌بار هم بوی‌وبرنگ می‌کنند و صبح روز اول فروردین قدیم را در دادگاه، که از چهل سال پیش تاکنون دیگر کسی در آن آرام نگرفته است، سپری می‌کنند و برای درگذشتگان خود گاهنبار توجی می‌خوانند و «خدایامرزی» می‌دهند و خیرات می‌کنند.

#### کتاب‌نامه

- بیرونی، ابوریحان، ۱۳۵۲. *آثارالباقیه*. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: ابن‌سینا
- سروشیان، مهوش. ۱۳۸۱. «خوراک‌های آیینی و سنتی زرتشتیان در ایران»، سروش پیر مغان، یادنامه جمشید سروشیان. به کوشش کتایون مزداپور. تهران: ثریا. صص ۶۲۹-۶۶۲.
- شاهمردانی شریف‌آباد، داریوش و فرهنگ فلاحتی. ۱۳۸۷. «آیین شب وه شریف‌آباد»، پیک انجمن موبدان تهران، پیش‌شماره چهارم. صص ۳۰-۳۴.
- گشتاسب، فرزانه. ۱۳۹۰. «بررسی چند واژه آیینی در دین مزدیسنی»، مجله انسان‌شناسی، س ۹، ش ۱۵. صص ۱۲۴-۱۳۴.
- گشتاسب، فرزانه. ۱۳۹۹. «گاهنبار، سنت کهن مکتوب و آداب و رسوم امروزی آن»، مطالعات مردم‌شناسی، س ۲، ش ۱، صص ۶۱-۷۴.
- مولایی، چنگیز. ۱۳۸۲. بررسی فروردین یشت (سرود اوستایی در ستایش فروهرها). تبریز: دانشگاه تبریز.

Boyce, M. 1977. *A Persian Stronghold of Zoroastrianism*. Oxford.

Modi. J.J. 1922. *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*. Bombay.